



Shahid Rajaei Teacher Training University- Iran
Ontological Researches
Semi-Annual Scientific Journal
ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
Type: Research

Vol.11, No. 21
Spring & Summer 2022

Journal Homepage: www.orj.sru.ac.ir

The Logic of Understanding the Divine Speech from Qazi Abd al-Jabbar Mu'tazili's Viewpoints.

Saleh Adeli Sardoo¹
Bemanali Dehghan Mongabadi²
Mohammad Ali Heydari Mazrae Akhoond³

Abstract

This descriptive-analytical study seeks to examine the logic of understanding divine word from Qazi Abd al-Jabbar Mu'tazili's Viewpoints. In his view, the way to achieve the correct meaning of the divine word is by way of the application of disciplined ways of knowledge and also the description of the divine wisdom in understanding the divine word. In his view, the regularity of these factors requires reliance on some ontological presuppositions that play a key role in clarifying the nature and ways of knowledge. By specifying the correct meaning of the ways of knowledge, he proves the attribute of wisdom for God in the sense of, "one who does

¹. Student Yazd University

salehadeli1370@gmail.com

². Associate Professor and faculty member of Yazd University, corresponding author
badehghan@yazd.ac.ir

³. Assistant Professor and faculty member of Yazd University

heydari@yazd.ac.ir

Received: 13/07/2021

Reviewed: 23/08/2021

Revised: 20/11/2021

Accepted: 24/11/2021

not do ugly things”, and examines its implications in understanding the divine word. In his logic, the role of the narrator in many verses is summarized in the confirmation of rational data, which, contrary to his claim in creating unity of procedure, provides the basis for differences of opinion in understanding the divine speech.

Keywords: Qazi Abd al-Jabbar Mu'tazili's 'the Logic of Understanding the Divine Word' 'the Ontology of the Divine Word' 'Epistemology of the Divine Word: Divine Wisdom.

Problem Statement

There has always been a difference between the commentators in understanding the meaning of the verses of the Holy Quran. These differences indicate the adoption of incorrect interpretive principles and rules by some commentators. It is obvious that such mistakes cannot be prevented except by adopting a suitable logic that provides the interpreter with the correct principles and rules of understanding the verses.

Qazi Abdul Jabbar Mu'tazili is one of commentators and theologians who have a significant view in presenting the logic of understanding the verses (d. 415).

He has considered that achieving the correct meaning of the verses depends on determining the correct mechanism of the meaning of the "divine word". And therefore tries to identify the factors that play a role in the correct understanding of the meaning of the divine word and provide criteria for the correct performance of their role. The result of these criteria will be shown in the form of correct principles and rules of understanding the divine word. Therefore, the main question of this research is that from the Qazi's point of view, what are the factors that play a role in the correct understanding of the meaning of the divine word? And what criteria has the Qazi provided for the correct role of these factors in understanding the divine word?

Method

The present study used a descriptive-analytical method.

Findings and Results

Qazi Abd Al-Jabbar, with the aim of preventing errors in understanding the verses, has tried to base the understanding of the verses on a valid logic.

According to his view, since the understanding of the divine word is not separate from the ways and sources of its understanding, as well as the characteristics and attributes of its agent, that is, God, therefore, finding the correct meaning of the divine word depends on paying attention to these two factors and regulating their involvement in the process of understanding the divine word. In his view, achieving the correct criteria of the above two factors requires relying on some ontological knowledge and assumptions that clarify the nature of knowledge and the ways to achieve it. In fact, it can be said that in the Qazi's mind, understanding the divine

word is the result of the interaction of ontological, epistemological and theological elements and components.

In his logic, the role of the narrator in many verses is summarized in the confirmation of rational data, which, contrary to his claim in creating unity of procedure, provides the basis for differences of opinion in understanding the divine word.

References

- Akbarzade M. [*The Impact of Non-Epistemological Factors on the Process of Gaining Knowledge*]. Journal of Philosophical Theological Research. 2011; 4: 59-67. Persian.
- Helli H, *Anvar Almalakot Fi Sharh Al-Yaqot*. Qom: Al-Sharif Al-Razi; 1984. Arabic.
- McDermott M, *the Theological Thoughts of Sheikh Mufid*. Translated by Ahmad A, Tehran: University of Tehran Press; 1993. Persian.
- Mufid M, *Awael Al-Maqalat Fi Al- Mazaheb Va Al-Mokhtarat*. Qom: Al-Mo'atamar Al-Alami; 1993. Arabic.
- Qazi Abd Al-jabar and Qawam Al-Din Mankadim, *Sharh Al-Osol Al-khamseh*. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Torath Al-Arabi; 2002. Arabic.



Shahid Rajaei Teacher Training University- Iran
 Ontological Researches
 semi-annual scientific journal
 ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
 Type: Research

Vol.11, No. 21
 Spring & Summer 2022



پژوهش‌های هستی‌شناختی
 دو فصلنامه علمی
 نوع مقاله: پژوهشی
 سال یازدهم، شماره ۲۱
 بهار و تابستان ۱۴۰۱
 صفحات ۲۱۸-۱۹۱

منطق فهم کلام الهی از دیدگاه قاضی عبد الجبار معتزلی

صالح عادل‌ی ساردو^۱
 بمانعلی دهقان منگابادی^۲
 محمد علی حیدری مزرعه‌آخوند^۳

چکیده

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، در پی بررسی منطق فهم کلام الهی از دیدگاه قاضی عبد الجبار معتزلی است. قاضی راهبانی به دلالت صحیح کلام الهی را در گرو دخالت ضابطه‌مند «راه‌های معرفت» و نیز «وصف حکمت الهی» در فهم کلام الهی می‌داند. از دیدگاه وی دستیابی به ضابطه‌مندی عوامل مذکور نیز به نوبه خود نیازمند تکیه به پاره‌ای پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی همچون اصل واقعیت و اصل علیت است که نقشی اساسی در روشن کردن ماهیت معرفت و نیز راه‌های دستیابی به آن ایفا می‌کند با مشخص کردن وجه صحیح دلالت راه‌های دستیابی به معرفت، وصف حکیم را به معنای «کسی

salehadeli1370@gmail.com
 badehghan@yazd.ac.ir
 heydari@yazd.ac.ir

^۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه یزد
^۲. دانشیار دانشگاه یزد، نویسنده مسئول
^۳. استادیار دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲
 تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱
 تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

که از انجام قبیح مبرا است» در مورد خداوند ثابت کرده و برون داده‌های آن را در فهم کلام الهی مشخص میکند. در منطق وی، خلاصه شدن نقش راه نقلی به تأیید داده‌های عقلی، برخلاف مدعای وی در ایجاد وحدت رویه، زمینه را برای ایجاد اختلاف دیدگاه‌ها در فهم کلام الهی فراهم می‌آورد. کلمات کلیدی: قاضی عبد الجبار معتزلی، منطق فهم کلام الهی، وجودشناسی کلام الهی، معرفت-شناسی کلام الهی، حکمت الهی.

۱- بیان مسئله

همواره میان مفسران در فهم دلالت آیات قرآن کریم اختلاف وجود داشته است. این اختلافات حاکی از در پیش گرفتن مبانی و قواعد تفسیری ناصواب از سوی برخی مفسران است. بدیهی است که جلوگیری از وقوع چنین اشتباهاتی جز با اتخاذ منطقی مناسب میسر نیست. از جمله مفسران و متکلمانی که دیدگاه قابل توجهی در منطق فهم آیات دارد، قاضی عبد الجبار معتزلی (م ۴۱۵)، است.

قاضی دستیابی به دلالت صائب آیات را در گرو تعیین سازوکار صحیح دلالت «کلام الهی» (صرف نظر از تعیین خاصی از آن همچون آیات قرآن) دانسته است (ر.ک: عبد الجبار، ۱۹۶۲، ج ۷، ص ۱۸۲). بنابراین تلاش می‌کند عواملی را که در فهم صحیح دلالت کلام الهی نقش دارند شناسایی و ضوابطی را برای ایفای صحیح نقش آنها ارائه کند. حاصل این ضوابط، به صورت مبانی و قواعد صحیح فهم کلام الهی کردار خواهد شد.

در اندیشه او، از آنجا که فهم کلام الهی جدا از راه‌ها و منابع فهم آن و نیز ویژگی‌های فاعل آن، یعنی خداوند نیست. بنابراین راهیابی به دلالت صحیح کلام الهی در گرو توجه به این دو عامل و دخالت دادن ضابطه‌مند آنها در فرایند فهم کلام الهی است.

در پژوهش حاضر، تحت عنوان «مبدأ معرفت‌شناسی»، به تعیین راه‌های (منابع) دخیل در فهم کلام الهی و بررسی ضوابط دخالت آنها و نیز تحت عنوان «مبدأ خداشناسی» به تعیین صفات تأثیرگذار خداوند در فهم کلام الهی و بررسی ضوابط آنها در این زمینه از دیدگاه قاضی پرداخته می‌شود. از آنجا که معرفت‌شناسی و خداشناسی، مبادی و سرچشمه‌های بنیادین دستیابی به فهم صحیح کلام الهی و نیز فهم و درک صائب سایر مباحث کلامی در آثار قاضی به شمار می‌روند (مکدرموت، ۱۹۹۳، ص ۷۴). بنابراین از آنها تحت عنوان «مبدأ» یاد می‌کنیم. پرداخت ضابطه‌مند به مبادی فوق، نتایج و برون‌دادهایی

در فهم کلام الهی به همراه خواهد داشت که مبانی و قواعد صحیح فهم کلام الهی را شکل می‌دهند.

در ادامه ابتدا به نقش مبدا معرفت‌شناسی و سپس به نقش مبدأ خداشناسی در فهم کلام الهی از دیدگاه قاضی پرداخته می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

در باب اندیشه‌های معرفتی قاضی عبد الجبار پژوهش‌هایی صورت گرفته است. مقالات «منابع معرفت از دیدگاه قاضی عبد الجبار معتزلی» (سلطانی، ۲۰۱۷) و «بررسی جایگاه نظر و تفکر نزد قاضی عبد الجبار معتزلی» (همو، ۲۰۱۶) متمرکز در منابع معرفت و نیز جایگاه نظر و استدلال و نقش آن در معرفت خداوند از دیدگاه قاضی می‌باشند. در مقاله «مواجهه قاضی عبد الجبار با شکاکیت» (دهقانی‌نژاد و دیرباز، ۲۰۲۰) به اشکال مختلف شکاکیت از دیدگاه قاضی پرداخته شده است.

در باب ارتباط اندیشه‌های معرفتی قاضی عبدالجبار با اندیشه‌های تفسیری او، پژوهش مستقلی به چشم نمی‌خورد. در مقاله «کارکرد عقل در حوزه دین از منظر قاضی عبد الجبار معتزلی و ابوبکر باقلانی» (هوشنگی و دیگران، ۲۰۱۶) به صورت اجمالی، به نقش عقل در تفسیر قرآن از منظر قاضی و نیز برخی از مبانی مؤثر در رویکرد تفسیری معتزله پرداخته شده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است مبادی مختلف مؤثر در فهم کلام الهی از دیدگاه قاضی دسته‌بندی و تحلیل شده و برون دادهای مختلف آنها در فهم کلام الهی ذکر شود.

۳- مبدأ معرفت‌شناسی

در ذیل به تحلیل مبدا معرفت‌شناسی و نیز برون دادهای آن در فهم کلام الهی از دیدگاه قاضی پرداخته می‌شود.

۳-۱ تحلیل مبدأ معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی یکی از شاخه‌های فلسفه است که پیرامون مباحثی چون ماهیت، اقسام، راه‌های معرفت و نیز ارزش و اعتبار راه‌های معرفت بحث می‌کند (مصباح، ۲۰۱۹، ص ۲۷). دیدگاه وجوب نظر و استدلال در معرفت خداوند که خاستگاهی معتزلی دارد (عسقلانی، ۲۰۰۴، ج ۱۳، ص ۳۴۹)، سبب شده است قاضی عبد الجبار نیز طی مبحثی مجزا تحت عنوان «نظر»، به مباحث مختلف معرفت‌شناسی بپردازد.

قاضی تلاش کرده است با طرح ضوابط و ملاک‌های دستیابی به معرفت معتبر، وحدت رویه‌ای را در ارائه مباحث مختلف کلامی ایجاد کند (ر.ک: عبد الجبار، ۱۹۶۲، ج ۱۲، صص ۱۰۴ و ۱۲۲-۱۲۰).

در ارتباط با فهم کلام الهی، قاضی تلاش میکند ابتدا با ملاک قرار دادن پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی معرفت، به تعریف و اقسام صحیح معرفت دست یافته است، آنگاه راه‌های (منابع) دستیابی به هر قسم از معرفت‌ها را مشخص کرده و وجه دلالت (ضوابط، گستره و ویژگی‌های دلالی) این راه‌ها را روشن کند، تا میزان و چگونگی دخالت هر یک از این راه‌ها در فهم کلام الهی معین شود. ذیلاً این مراحل از نظر خواهند گذشت.

۳-۱-۱-۱ پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی معرفت

غرض قاضی از پرداختن به معرفت‌شناسی، اثبات وجود صانع عالم و معرفت به اوصاف و ویژگی‌های او (و از جمله چگونگی فهم کلام الهی) است.

برای دستیابی به این غرض، قاضی لازم می‌داند ابتدا پیش‌فرض‌هایی چون اصل وجود حقیقت، وجود حقایق غیر حسی و نیز اصل علیت را اثبات کرده، آنگاه بر اساس این پیش‌فرض‌ها به تعریف مفهوم معرفت و تعیین اقسام آن بپردازد. همچنین مفاهیمی چون قیاس غایب به شاهد و برهان حدوث که قاضی از آنها به عنوان زیربنای معرفت به صانع و اوصاف او بهره می‌برد، تنها با اثبات این پیش‌فرض‌ها معنا می‌یابد. در ذیل این پیش‌فرض‌ها از نظر خواهند گذشت.

۳-۱-۱-۱-۱ اصل واقعیت

قاضی در پاسخ به سوفسطائیه که بنا به نقل وی برای هیچ شی‌ای حقیقتی متصور نیستند (همان، ص ۵۱) به این اصل پرداخته است.

مبنای وی در اثبات واقعیت، سکون نفسی است که هنگام علم داشتن به چیزی حاصل می‌شود؛ توضیح آنکه شخص عالم میان زمانی که به چیزی علم دارد، تا زمانی که به آن صرف باور یا ظن دارد فرق می‌گذارد؛ بدین شکل که آرامشی را موقع علم احساس می‌کند که موقع ظن و صرف باور آن را نمی‌یابد (همان، ص ۲۰).

۳-۱-۱-۲ عدم انحصار حقیقت در ادراک حسی

قاضی در مواجهه با عده‌ای از دهریه که عنوان می‌دارند «لا أفضی الا بما أشاہده» (همان، ص ۵۴) به این اصل پرداخته است.

از دیدگاه قاضی ملاک واقعیت، حصول سکون نفس است که علاوه بر ادراکات حسی، در مورد عقلیات نیز حاصل بوده است. بنابراین اطمینان به صحت عقلیات نیز واجب می‌باشد (همان).

۳-۱-۱-۳ جدایی حقیقت اشیا از اعتقاد ادراک‌کننده

قاضی در مواجهه با گروهی که آنها را «اصحاب تجاهل» می‌خواند به این اصل پرداخته است. او عنوان می‌دارد این گروه عقیده دارند اشیا در نفس خود حقیقتی نداشته، بلکه حقیقت هر شیء آن است که شخص آن‌گونه می‌پندارد، همانند آنکه زید حادثه‌ای را خوش پنداشته و عمرو از آن کراهت دارد (همان، ص ۴۷).

قاضی این دیدگاه را دارای لوازم فاسد بسیاری می‌داند؛ از جمله آنکه در این صورت، جسم بنا به اعتقاد ما، هم سفید و هم سیاه؛ هم قدیم و هم حادث و هم موجود و هم معدوم خواهد بود (همان، ص ۴۸).

۳-۱-۱-۴ اصل علیت

قاضی در مواجهه با مجبره که علت را منحصر در خداوند دانسته و وقوع فعل هنگام وجود علل مادی (همچون قصد و اختیار انسان) را به عادت الہی فروکاسته‌اند (همان، ج ۸، ص ۱۵)، به دفاع از این اصل پرداخته است.

سبب تأکید قاضی بر این اصل آن است که اثبات ذات و صفات الہی تنها در صورتی ممکن است که به عنوان نمونه بدانیم رفتار زید کار خود اوست و دلالت بر قادر و عالم بودن او دارد و تا وقتی این مطلب اثبات نشود، نمی‌توان از افعال الہی بر وجود و اوصاف او استدلال کرد (همان، ص ۱۶).

قاضی دیدگاه مجبره را دارای لوازم فاسد بسیاری می‌داند؛ از جمله اینکه از آنجا که خداوند در انجام کارها نیاز به ابزار ندارد، بایستی برای ما انجام کارهایی که نیاز به ابزار دارد، بدون ابزار هم ممکن باشد (همان، ص ۱۸۸ - ۱۸۹).

۳-۱-۲ تعریف معرفت

قاضی تلاش می‌کند با مبنا قرار دادن پیش فرض‌های فوق، تعریفی صحیح از مفهوم معرفت ارائه کند. از دیدگاه وی معرفت، عقیده و باوری مطابق با حقیقت و نفس الامر شیء است که همراه با سکون نفس مخصوص علم است (همان، ج ۱۲، ص ۱۵). به عبارت دیگر برای حصول معرفت به امری، شرط اول آن است که شخص به آن امر باور داشته باشد؛ شرط دوم آن است که باور شخص به آن امر، با نفس الامر آن مغایرت نداشته باشد و شرط سوم آن است که به دنبال آن باور، آرامشی که در پی حصول علم (و نه صرف ظن و شک) به چیزی حاصل می‌آید، برای شخص فراهم آید. قاضی سکون نفس را محصول ذاتی و وجدانی علم می‌داند (همان، ص ۲۳).

۳-۱-۳ اقسام معرفت

با اثبات وجود حقایق غیر حسی در پیش فرض‌های هستی‌شناسی معرفت، قاضی دو دسته از باورها را به دلیل همراه بودن با سکون نفس، تحت عنوان «معرفت» وارد می‌کند: دسته اول باورهایی هستند که یا به صورت ابتدایی و بدون واسطه حاصل می‌گردند؛ مانند علم به احوال درونی خود؛ و یا از راه حواس مختلف ایجاد می‌شوند. او از این باورها تحت عنوان علوم ضروری یاد می‌کند (همو، ۲۰۰۲، ص ۲۴-۲۳). متکلمان متأخر امامیه زیرمجموعه‌های باورهای ضروری را تا شش دسته گسترش داده‌اند (ر.ک: حلی، ۱۹۸۴، ص ۱۴).

قاضی ملاک ضروری بودن علم را روشن بودن آن برای همگان و عدم امکان نفی آن می‌داند (عبد الجبار، ۱۹۶۲، ج ۱۲، ص ۶۳).

دسته دوم باورهایی هستند که به دنبال «نظر و استدلال» و یا یادآوری نظر و استدلال حاصل می‌شوند. از آنها تحت عنوان علوم اکتسابی یاد می‌کند (همان، ص ۶۷). او عنوان می‌دارد محصول ذاتی نظر (صحیح)، «معرفت» بوده است. بنابراین نظر هیچگاه منجر به تولید جهل، ظن و شک نمی‌شود (همان، ص ۶۹).

۳-۱-۴ راه‌های کسب معرفت اکتسابی و اعتبار آنها

«راه معرفت» عبارت است از شیوه‌ای که می‌توان با آن به معرفتی معتبر دست یافت (مصباح، ۲۰۱۹، ص ۱۱۲). قاضی از راه معرفت تحت عنوان «دلیل» یاد می‌کند (عبد الجبار، ۲۰۰۲، ص ۵۰). قاضی از میان راه‌های معرفت اکتسابی، عقل، نقل و مرجعیت را بررسی و شرایط ارزش و اعتبار هر یک را ذکر می‌کند.

او در مبحثی تحت عنوان «ماهیت عقل» به بحثی وجودشناختی در چیستی و ماهیت عقل می‌پردازد. او عقل را مجموعه‌ای از علوم ضروری می‌داند که شخص را قادر بر استدلال و ادای تکلیف می‌کند (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۱، ص ۳۷۵). او دلایل مختلفی را در از سنخ علم بودن عقل و از سنخ جوهر، ابزار، حس و قوه نبودن آن ذکر می‌کند (همان، ص ۳۷۷-۳۷۵).

صرف نظر از مناقشه در اینکه آیا عقل همان علوم ضروری است یا قوه‌ای که با کمک علوم ضروری به استدلال می‌پردازد؛ پیوند عقل با علوم ضروری سبب می‌شود که همانند علوم ضروری، اعتبار راه عقلی ضرورتاً روشن باشد.

همچنین از دیدگاه قاضی، اعتبار نقل از سه راه محرز می‌گردد: اول آنکه از حال ناقل دانسته شود که کذب را اختیار نمی‌کند؛ دوم آنکه کسی که از حال او معلوم است کذب را اختیار نمی‌کند، صحت نقلی را با قول یا تقریر خویش تأیید کند و سوم آنکه نقل با قرینه‌ای که عادتاً کذب آن را محال کند همراه شود؛ همچون خبر متواتر (همان، ج ۱۵، ص ۳۳۸).

بنابراین با احراز اعتبار نقل، می‌توان (بر خلاف باورهای عقلی) باورها و مفروضاتی را در آن که قابل ارجاع به معرفت‌های ضروری و تجربی نیستند نیز معرفت‌بخش دانست (حاجی‌زاده، ۲۰۲۱، ص ۱۱۸).

قاضی در بیان علت لزوم شناخت حال ناقل جهت اعتبار نقل وی عنوان می‌دارد کلام (نقل) از حال غیر خود خبر می‌دهد و نه از حال خود؛ از همین روی، دلالت کلام تنها از حال خبر دهنده آن مشخص می‌شود، نه از صیغه آن (عبد الجبار، ۱۹۶۷، ص ۲-۱). بنابراین کلام در صورتی دلالت خواهد داشت که از حال فاعل آن دانسته شود در مقام بیان

مقاصدش بوده و دروغ‌گویی، بیهوده‌گویی، پوشیده‌گویی را از کلامش اراده نمی‌کند (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۶، ص ۳۴۷).

مرجعیت نیز عبارت است از استناد به نقل کسی که صلاحیت نظر دادن دارد (حسین‌زاده، ۲۰۱۰، ص ۲۶۳). قاضی مرجعیت را رجوع غیر عالم به عالم در اموری همچون احکام شرعی و لغت (عبدالجبار، ۱۹۶۲، ج ۵، ص ۱۹۷) می‌داند. از دیدگاه وی راه مرجعیت به سبب سیره عقل و نقل معتبر دارای اعتبار شده است (همو، ۲۰۰۲، ص ۳۲). همچنین از دیدگاه وی در صحت استناد به قول عالم، قطع به صدق و احتمال عدم خلاف قول او ضرورتی ندارد (همو، ۲۰۰۲، ص ۳۳؛ ۱۹۶۲، ج ۵، ص ۱۹۷).

۳-۱-۵ وجه دلالت راه‌های معرفت اکتسابی

قاضی عنوان می‌دارد راه‌های معرفت اکتسابی در صورتی تولید معرفت می‌کنند که ناظر (استدلال‌کننده) به «وجه دلالت» این راه‌ها «علم» (و نه ظن) داشته باشد (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۲، ص ۱۱). در نگاه وی مفهوم وجه دلالت، اموری مختلف چون ضوابط، گستره و ویژگی‌های دلالتی هر یک از راه‌های معرفت و نیز مناسبات و روابط این راه‌ها را شامل می‌شود.

قاضی برای تعیین وجه دلالت راه‌های معرفت، به بررسی «ذاتی یا استدلالی بودن احراز اعتبار راه‌های معرفت»، «امکان و یا عدم امکان تعارض راه‌های معرفت»، «یک وجهی و یا چند وجهی بودن دلالت راه‌های معرفت» و نیز «کاربرد و یا عدم کاربرد راه‌های معرفت در شناخت خداوند» می‌پردازد. در ذیل به بررسی هر یک از این موارد از دیدگاه وی می‌پردازیم:

۳-۱-۵-۱ ذاتی یا استدلالی بودن احراز اعتبار راه‌های معرفت

همانگونه که عنوان گردید، قاضی عقل را به همان معنای علوم بدیهی و ضروری دانسته است. این همسانی معنایی سبب می‌گردد اولاً عقل نیز همانند علوم ضروری (و برخلاف نقل) از اعتباری ذاتی برخوردار بوده و در نتیجه دلالت مستقل آن بر تمامی داده‌های آن صحیح باشد. ثانیاً در صورتی راه عقلی معرفت‌بخش بوده که محصول آن، یعنی باور اکتسابی عقلی، بر پایه معرفت‌های ضروری بنا شده باشد. او معرفت‌های ضروری را اصل و

پایه معرفت‌های نظری و لازمه صحت استدلال عقلی می‌داند (همان، ج ۹، ص ۵۹، ج ۱۶، ص ۱۴۵).

همچنین همانگونه که گذشت، از دیدگاه قاضی اثبات معرفت‌بخشی راه نقلی تنها پس از اثبات پیشینی و استدلالی دوری ناقل از انجام اموری قبیح چون دروغ‌گویی و پوشیده‌گویی ممکن است. از همین رو با گزاره‌ای از قبیل «انی صادق» در خود نقل، نمی‌توان معرفت‌بخشی آن را احراز کرد (همان، ج ۴، ص ۱۷۵). نتیجه آنکه اثبات مبرا بودن ناقل از امور قبیح فوق، به طور کل از گستره دلالت راه نقلی خارج خواهد بود (همو، ۲۰۰۲، ص ۳۱۵).

۳-۱-۵-۲ امکان و یا عدم امکان تعارض میان راه‌های معرفت دینی

قاضی راه‌های معرفت دینی را شامل عقل و سمع (منقولات معتبر دینی) می‌داند (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۳، ص ۲۸۰). وی عنوان می‌دارد دلیل عقلی و سمعی از آن روی که از جانب خدای حکیم صادر گشته‌اند (اثبات و مفهوم حکمت الہی از نظر خواهد گذشت)، بنابراین دلالت آنها بر شیء واحد به مانند هم و به واسطه معرفت قطعی خواهد بود و از همین روی این ادله هیچگاه با یکدیگر به تناقض نمی‌رسند (همان، ج ۱۵، ص ۱۱۸). وی رابطه عقل و سمع را رابطه اجمال و تفصیل می‌داند، یعنی دلالت نقل، تفصیل دلالت عقل را بر عہده دارد (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۵، صص ۴۳ و ۱۱۷؛ همو، ۱۴۲۲، ص ۳۸۱). به عنوان نمونه عقل به صورت اجمالی، احکامی کلی مانند وجوب شکر و عبادت را اثبات می‌کند. اما تفصیل اعیان و شروط افعالی که با آن شکر و عبادت حاصل می‌شود بر عہده سمع است (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۵، ص ۲۷).

۳-۱-۵-۳ یک وجهی و یا چند وجهی بودن دلالت راه‌های معرفت

قاضی عنوان می‌دارد همانگونه که در ابتدای مواضع، تعیین لفظی خاص برای معنایی خاص، بسته به اختیار واضعین است، پس از مواضع نیز نقل و تحویل در معنای وضعی الفاظ جایز و جاری است (همان، ج ۵، ص ۱۷۳). بنابراین ویژگی طبیعی زبان آن است که: «هیچ کلمه ای در موضع خود (جمله) نیست، مگر آنکه محتمل معنایی غیر از معنای وضعی خود است» (همو، ۱۹۶۷، ص ۸). از همین روی ویژگی ظنی بودن دلالت و قابلیت غموض و ابهام، جزو سرشت زبان خواهد بود (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۵، ص ۱۸۱).

این ویژگی زبان سبب می‌گردد دلالت راه‌های نقلی نیز دلالتی ظنی و چند وجهی بوده و اموری چون مجاز و اشتراک در آنها راه یابد (ر.ک: همان، ج ۵، ص ۱۸۱). وی برخلاف دلالت نقل، دلالت عقل را از این ظنی و چند وجهی بودن و راهیابی اموری چون مجاز و اشتراک در آن به دور می‌داند (همان، ج ۱۵، ص ۱۸۱).

۳-۱-۵-۴ کاربرد و یا عدم کاربرد راه‌های معرفت در شناخت خداوند

با توجه به تفاوت ذات الهی با مخلوقات، قاضی لازم می‌داند اعتبار راه‌های معرفت را در شناخت خداوند (غایب) اثبات کند.

قاضی تأکید می‌کند خصوصیات فاعل مانند وجود برای او، تأثیری در حقیقت اوصاف و دلالت ادله (راه‌های معرفت) ندارد (همو، ۱۹۷۱، ص ۱۸۳)، به عنوان نمونه حقیقت وصف فاعل عبارت است از «کسی که فعلی را انجام دهد»؛ همچنین «صحت وقوع فعل» دلالت بر قادر بودن فاعل آن دارد؛ خواه این فاعل خداوند باشد و خواه انسان.

با اثبات یکسانی دلالت راه‌های معرفت در شاهد و غایب، قیاس عقلی (قیاس غایب به شاهد) نیز که در آن سرایت حکم به غایب بر این یکسانی استوار است، در معرفت خداوند دارای اعتبار می‌شود (همو، ۲۰۰۲، ص ۱۰۴).

۳-۲ برون‌دادهای مبدأ معرفت‌شناسی در فهم کلام الهی

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان نتایج و برون‌دادهای معرفت‌شناختی (مبانی فهم) و یا روش‌شناختی (قواعد فهم) مبدأ معرفت‌شناسی در فهم کلام الهی از دیدگاه قاضی را به صورت ذیل برشمرد:

۱. فهم کلام الهی فرایندی نظری و اکتسابی است و نه ضروری.

از دیدگاه قاضی، معرفت به دلالت کلام الهی همچون معرفت به ذات و صفات الهی، از راه ضرورت صورت نمی‌پذیرد (همو، ۱۹۶۲، ج ۷، ص ۱۸۳)؛ چرا که اگر ضروری می‌بود، عقلاً در آن اختلافی نداشتند (همو، ۲۰۰۲، ص ۲۶).

۲. اعتبار راه‌های معرفت در فهم کلام الهی.

مبنای قاضی در یکسانی دلالت راه‌های معرفت در مورد شاهد و غایب، سبب می‌شود راه‌های عقلی و همچنین نقل معتبر، در دستیابی به مدلول کلام الهی نیز معتبر و معرفت‌بخش باشند.

۳. صحت استناد به شعر و امثال عرب در فهم لغات و واژگان کلام الهی.

همانگونه که در دلیل مرجعیت گذشت، از دیدگاه قاضی در صحت استناد به قول عالم، قطع به صدق و احتمال عدم خلاف قول وی ضرورتی ندارد. بنابراین در فهم کلام الهی استناد به شعر و امثال عرب، حتی در صورت عدم قطعیت آنها، روا است (همو، ۱۹۶۲، ج ۵، ص ۱۹۸).

۴. عدم استقلال راه سمع در فهم تمامی مدلول کلام الهی.

گذشت که از دیدگاه قاضی «اثبات مبرا بودن ناقل از انجام قبیح» از گستره دلالت نقل خارج است. از همین رو از دیدگاه وی، از راه دلالت وضعی کلام الهی نمی‌توان به اثبات و تعیین مفهوم وصف حکمت (به معنای دوری فاعل از فعل قبیح) و نیز صفات واسطه در اثبات وصف حکمت همچون علم، بی‌نیازی، جسم و عرض نبودن (ر.ک: همان، ص ۳۵-۳۴) پرداخت (همو، ۱۹۶۷، ص ۲). از دیدگاه قاضی فایده خطاب در ذکر این اوصاف، بعث و تشویق مخاطب به نظر عقلی است که چنین فایده‌ای خطاب و کلام الهی را از حد بیهوده بودن خارج می‌سازد (همان، ص ۴).

از دیدگاه وی جز اوصاف فوق الذکر، دلالت وضعی کلام الهی بر سایر معارفی که در آن ذکر شده است، به نحو استقلالی ممکن می‌باشد. این دلالت استقلالی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش اول شامل آیاتی است که راهیابی به مدلول آنها با هریک از عقل و یا دلالت وضعی خود آن آیات به صورت مجزا و مستقل ممکن می‌باشد؛ و بخش دوم شامل آیاتی است که معرفت به مدلول آنها تنها با دلالت وضعی خود آن آیات ممکن بوده و عقل نقشی در دلالت‌بخشی آنها ندارد (همان، ص ۳۵).

مصدق بخش اول، آیاتی است که از صفات غیر دخیل در اثبات وصف حکمت الهی خبر می‌دهند. صفات حیات، شنوایی، بینایی، عدم رؤیت و واحد بودن از این قبیل هستند. بنابراین برخلاف آیات دربردارنده اوصافی چون حکمت و مانند آن، استدلال ابتدایی به این دسته آیات برای اثبات یا تعیین مفهوم اوصاف ذکر شده، معرفت‌بخش است (همو، ۱۹۶۲،

ج ۴، ص ۱۷۳). مصداق بخش دوم نیز آیاتی است که از موضوعی غیر از صفات الهی همچون احکام شرعی، قصص و مانند آن بحث می‌کنند (همو، ۱۹۶۷، ص ۳۵).
 ۵. دخالت مبدا خداشناسی در فهم کلام الهی در صورتی روا خواهد بود که مطابق ملاک‌های مطرح شده در معرفت‌شناسی، ضابطه‌مند شده باشد. در بخش آتی به این مطلب پرداخته خواهد شد.

۴- مبدا خداشناسی

در این بخش به تحلیل مبدا خداشناسی و ذکر برون داده‌های آن در دستیابی به معرفت صحیح کلام الهی از دیدگاه قاضی می‌پردازیم.

۴-۱ تحلیل مبدا خداشناسی

با توجه به گره خوردن کلام خداوند با اوصاف و ویژگی‌های او، کیفیت فهم صفات الهی در چگونگی فهم کلام الهی تأثیری انکارناپذیر دارد. از همین روی قاضی تلاش میکند صفات تأثیرگذار خداوند (فاعل کلام الهی) در فهم کلام الهی را مشخص کرده و تأثیر و دخالت آنها در فرایند فهم کلام الهی را ضابطه‌مند کند.

در اندیشه او، وصفی که می‌تواند سازوکار دلالت کلام الهی را روشن کند، وصف حکمت الهی است، به همین جهت وی تلاش می‌کند ابتدا با تکیه بر وجه دلالت راه‌های معرفت، از راهی مناسب به مفهوم صحیح وصف حکمت دست‌یافته، آنگاه نتایج و برون داده‌های این مفهوم را در فهم کلام الهی مشخص کند.

همانگونه که گذشت، از دیدگاه قاضی اثبات و تعیین مفهوم بسیاری از اوصاف الهی از قبیل وصف حکمت، تنها از راه عقلی ممکن است. همچنین گذشت که کارکرد راه عقلی بر معرفت‌های ضروری استوار است. بنابراین وی تلاش می‌کند با پایه و مبنا قرار دادن معرفت‌های ضروری نسبت به افعال الهی و احوال آنها همچون حرکت، سکون، محال بودن اجتماع ضدین و... به مفهوم صفات الهی دست یابد (همو، ۲۰۰۲، ص ۵۱؛ همو ۱۹۶۲، ج ۱۶، ص ۱۴۳).

از سوی دیگر از دیدگاه قاضی انتقال از افعال الهی به اوصاف الهی ممکن نیست مگر با واسطه‌گری دلالت قیاس عقلی یا همان قیاس غایب به شاهد؛ بدین صورت که ابتدا به واسطه دلالت افعال انسانی (شاهد)، صفات انسانی و مفهوم آنها معین شده، آنگاه پس از اطمینان از نبود مانع، صفات و مفاهیم انسانی آنها بر خداوند (غایب) نیز اطلاق می‌شود (همو، ۱۹۶۲، ج ۵، ص ۱۸۶). بدین ترتیب در مورد هر یک از صفات، حد مشترکی از مفاهیم میان خداوند و انسان حاصل گشته که قاضی از آن به «حقیقت اوصاف» تعبیر می‌کند (برای نمونه ر.ک: همان، ص ۲۰۵). البته قابل ذکر است که صفات قادر و عالم مستقیماً به واسطه افعال الهی اثبات شده و معناشناسی سایر صفات، با تکیه بر قادر و عالم بودن خداوند صورت می‌گیرد (ر.ک: همو، ۲۰۰۲، ص ۳۴-۳۵).

قاضی در تعیین حقیقت وصف حکمت عنوان می‌دارد در شاهد، حکیم کسی است که به سبب داشتن سه ویژگی، کار قبیح انجام نمی‌دهد؛ این ویژگی‌ها عبارتند از علم داشتن به قبح کار قبیح؛ بی‌نیازی از انجام کار قبیح؛ و نیز علم داشتن به این بی‌نیازی خویش (همان، ص ۲۰۳). از دیگر سو، با اثبات صفات علم و بی‌نیازی در مورد خداوند، وصف حکمت به همان مفهوم شاهد در مورد خداوند نیز اثبات می‌گردد (همان، ص ۲۰۴).

از دیدگاه قاضی کارهایی که قبح آنها ضرورتاً مشخص است عبارتند از: کذب، ظلم، کفر نعمت، تکلیف ما لایطاق، اراده قبیح، جهل، امر به قبیح و عبث. از دیدگاه وی سایر قبايح در نهایت به یکی از این قبايح ضروری بازمی‌گردد (همو، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۶۴-۶۳).

قاضی عنوان می‌دارد کلام نیز در صورتی که یکی از این وجوه را دارا باشد، قبیح می‌شود. بنابراین شخص حکیم به دلیل قبیح بودن کلامی که دارای این وجوه است، از آن مبرا می‌باشد. از دیگر سو با اثبات وصف حکمت در مورد خداوند، ضروری است کلام الهی نیز از وجوه قبح خالی باشد (همو، ۱۹۶۷، ص ۲).

از دیدگاه قاضی، در شاهد دوری کلام از وجوه قبح، بروندادهایی را در مورد کیفیت دلالت آن در پی دارد که می‌توان با بهره‌گیری از قیاس غایب به شاهد، آنها را به دلالت کلام الهی نیز سرایت داد. ذیلاً به این بروندادها اشاره می‌شود.

۲-۴ برون دادهای «لزوم دوری کلام الهی از قبیح» در فهم کلام الهی

۱. دال بودن کلام الهی.

قاضی دلالت نداشتن کلام برای مخاطب را از مصادیق عبث بودن و در نتیجه قبیح بودن کلام می‌داند (همو، ۲۰۰۲، ص ۳۵۹). او عنوان می‌دارد کلامی برای مخاطب انسانی دارای دلالت است که دارای دو شرط باشد: اول آنکه کلام دارای دلالت وضعی پیشینی باشد، دوم آنکه گوینده، دلالتی که از کلام برمی‌آید را قصد کرده باشد. از دیگر سو بنا به قیاس با شاهد، کلام الهی نیز برای دلالت داشتن بایستی دارای این دو شرط باشد (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۶، ص ۳۴۷). بنابراین برون داد فوق، خود نیز دو برون داد در فهم کلام الهی به همراه خواهد داشت که عبارتند از: «تطابق کلام الهی با دلالت وضعی پیشینی» و «در مقام قصد و بیان بودن خداوند در کلام خود».

۲. عدم ناسازگاری راه‌های معرفت در تعیین دلالت کلام الهی

گذشت که از دیدگاه قاضی از آن روی که ادله دینی از جانب خدای حکیم صادر گشته‌اند. بنابراین دلالت آنها بر شیء واحد به مانند هم و به واسطه معرفت قطعی بوده است و از همین رو این ادله هیچ‌گاه با یکدیگر به ناسازگاری نمی‌رسند. این مطلب لزوم ارائه راهکاری مناسب در رفع تعارض ظاهری راه عقل و نقل در فهم کلام الهی را به همراه دارد. قاضی راهکار خویش در این زمینه را بر مبنای «تقدم دلالت عقلی بر دلالت نقلی در فهم کلام الهی» که با مفهوم حکمت الهی و نیز وجه دلالت راه‌های معرفت سازگار می‌باشد، پی‌ریزی کرده است.

در ذیل به تفصیل مبانی «تطابق کلام الهی با دلالت وضعی»، «در مقام بیان بودن کلام الهی» و نیز «تقدم دلالت عقلی بر دلالت نقلی در فهم کلام الهی» که حاصل دو برون داد فوق است می‌پردازیم.

۱-۲-۴ تطابق کلام الهی با دلالت وضعی

۱-۱-۲-۴ تحلیل

از دیدگاه قاضی لازمه عبث نبودن کلام الهی آن است که انتقال و راهیابی از کلام الهی به مدلول آن به شکلی صورت گیرد که برای مخاطب انسانی مفهوم باشد. از همین رو وی لازم می‌بیند راه‌های احتمالی دلالت‌یابی کلام الهی را به شیوه سبر و تقسیم بررسی کرده

و آنگاه راهی را برگزیند که با وصف خداوند به حکمت سازگار بوده و برای مخاطب انسانی مفهوم باشد.

وی عنوان می‌دارد برای این منظور، دو راه «ضروری» و «اکتسابی» را می‌توان فرض کرد (همان، ج ۷، ص ۱۸۲). راه اکتسابی تنها شامل یکی از موارد زیر است:

الف) جنس کلام خداوند بر قصد او دلالت داشته باشد؛

ب) افعال خداوند بر قصد او از کلامش دلالت داشته باشند؛

ج) فهم کلام الهی با مواضع پیشینی الهی یا انسانی صورت گیرد (همان، ص ۱۸۳-۱۸۲). قاضی انتقال ضروری به مراد الهی را منافی حال تکلیف می‌داند (همان، ص ۱۸۲). همچنین وی در رد راه اول و دوم از راه‌های اکتسابی، این اصل را مورد تأکید قرار می‌دهد که دلالت ادله در غایب و شاهد تفاوتی ندارد. بنابراین همانگونه که در کلام بشری، جنس کلام؛ یعنی صرف کنار هم آمدن حروف و الفاظ، کلام را برای مخاطب انسانی معنادار نمی‌کند، در کلام الهی نیز چنین است. به همین صورت افعال گوینده نیز نقشی در انتقال مخاطب از کلام گوینده به مراد او ندارند (همان، ص ۱۸۳).

با کنار رفتن این راه‌ها، تنها سومین راه از راه‌های اکتسابی؛ یعنی دلالت کلام الهی از طریق وضع پیشینی اثبات می‌گردد؛ از همین رو، قاضی تأکید می‌کند باید قطع و یقین حاصل کرد که خداوند از کلامش چیزی را اراده کرده که وضع پیشینی اقتضای آن را دارد (همان). از دیدگاه قاضی وضع پیشینی لغات نمی‌تواند از سوی خداوند و در نتیجه توقیفی باشد؛ توضیح آنکه وضع اولیه لغات، نیازمند اشاره حسی واضح بر شیء مورد نظر است تا مشخص گردد واضح، کدام شیء را برای نامگذاری در نظر دارد. در واقع وضع جانشین اشاره حسی گردیده و با وضع نام برای شیء، از اشاره حسی به آن بی‌نیاز می‌شویم. از سوی دیگر اشاره حسی در مورد خداوند محال بوده است. بنابراین آغازگری خداوند در وضع لغات نیز محال می‌باشد (همان، ج ۵، ص ۱۸۶). بنابراین مواضع پیشینی بشری، مبنای فهم کلام الهی خواهد بود.

۴-۲-۱-۲ برون داده‌ها

بروندادهای روش‌شناختی و معرفت‌شناختی تطابق کلام الهی با دلالت وضعی بشری از دیدگاه قاضی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. جاری بودن قواعد زبان‌شناسی در فهم کلام الهی.
از دیدگاه قاضی لازمه تطابق کلام الهی با وضع پیشینی بشری، جاری بودن اموری مانند مجاز، اتساع و اشتراک در کلام الهی است که اهل لغت در استعمالات خود به کار می‌برند (ر.ک: همان، ج ۷، ص ۱۸۳، ج ۱۵، ص ۱۸۱).
۲. جواز تفسیر و تأویل تمامی کلام الهی برای همه اهل لغت.
از دیدگاه قاضی لازمه تطابق کلام الهی با وضع پیشینی بشری، عدم اختصاص فهم مراد الهی به رسول (ص)، صحابه و تابعین است. بنابراین اختصاصی برای ابن عباس، مجاهد و سایر مفسران در جواز تفسیر و تأویل، نسبت به سایر اهل لغت وجود نخواهد داشت (همان، ج ۱۶، ص ۳۶۲).
۳. سنجه نقد برخی دیدگاه‌ها.
۱/۳ کلام الهی یا بخشی از آن تنها برای ایمان آوردن بوده و معرفت به دلالت آن واجب نیست.
قاضی در نقد این دیدگاه عنوان می‌دارد اگر حکیم از کلامش غرضی جز ایمان صرف به آن نداشته باشد، تقسیم کلام او به امر و خبر، وعد و وعید و مانند آن، هیچ غرضی در پی نداشته و تفاوتی میان کلام الهی و کلام مهمل وجود نخواهد داشت (همان، ص ۳۵۶).
۲/۳ معرفت به تمام یا بخشی از کلام الهی مختص رسول (ص)، امام (ع) یا صحابه و تابعین است (همان، ص ۳۶۱).
- ۳/۳ کلام الهی دارای دلالت‌های باطنی است (همان، ص ۳۶۳).
قاضی وجود دلالت‌های باطنی در کلام الهی را با این استدلال رد می‌کند که اهل لغت راهی به چنین دلالتی ندارند (همان، ص ۳۶۵). اما باید گفت این دیدگاه در صورتی موجه است که اولاً دلالت باطنی ارتباطی با دلالت وضعی کلام نداشته است. ثانیاً دریافت چنین دلالتی در توان هیچ مخاطبی از مخاطبان کلام الهی نباشد. اما شیعه امامیه دلالت باطنی را مکمل و مؤید دلالت وضعی دانسته است (ر.ک: طباطبایی، ۱۹۷۴، ص ۲۸). به نحوی که مخاطبان اصیل کلام الهی، یعنی امامان معصوم (ع) می‌توانند آن را از دلالت وضعی آیات دریافت کنند.

۴-۲-۲ در مقام بیان بودن کلام الهی

۴-۲-۲-۱ تحلیل

مطابق آنچه در وجه دلالت راه‌های معرفت گذشت، از دیدگاه قاضی برای آنکه در مقام بیان بودن و معرفت‌بخشی کلامی ثابت شود، بایستی آن کلام از وجوهی چون دروغ‌گویی، بیهوده‌گویی، پوشیده‌گویی، و بدون قصدگویی که سبب قبیح بودن کلام هستند به دور باشد.

از دیدگاه وی دوری کلام از وجوه فوق، از راه خود کلام ممکن نبوده و تنها زمانی میسر است که از حال فاعل کلام دانسته شود وجوه قبیح بودن کلام را اراده نمی‌کند. نتیجه آنکه با اثبات عقلی حکمت الهی، موارد مذکور (وجوه قبیح) از کلام الهی نفی و در مقام بیان بودن، معرفت‌بخشی و صحت استدلال به آن اثبات می‌شود (عبدالجبار، ۱۹۶۷، ص ۳۲).

۴-۲-۲ بروندها

بروندهای روش‌شناختی و معرفت‌شناختی در مقام بیان بودن کلام الهی از دیدگاه قاضی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. صدور تمامی بخش‌های کلام الهی و از جمله آیات متشابه و حروف مقطعه، جهت بیان و تعریف مقاصد الهی (همان، ص ۱۶).

۲. سنجه نقد برخی دیدگاه‌ها.

۱/۲ بطلان استناد به کلام الهی برای اثبات جبر و تشبیه.

قاضی عنوان می‌دارد مجبره به دلیل ممکن دانستن انجام قبایح و از جمله دروغ در مورد خداوند، راه پی بردن به در مقام بیان بودن و در نتیجه دلیل بودن کتاب را بر خود بسته‌اند (همو، ۱۹۶۲، ج ۴، ص ۱۷۳). همچنین وی ذیل آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۵) بیان می‌دارد که مشبیه نمی‌توانند برای اثبات جسم بودن خداوند، به لفظ «استواء» در این آیه استناد کنند. زیرا اثبات واقع‌نمایی این آیه، خود متوقف است بر معرفت به حکیم بودن خداوند؛ و معرفت به حکمت الهی نیز متوقف بر اثبات بی‌نیازی خداوند بوده استو اثبات بی‌نیازی خداوند نیز متوقف بر اثبات جسم نبودن خداوند است (همو، ۲۰۰۲، ص ۱۵۰).

۳-۲-۴ تقدم عقل بر نقل در فهم کلام الهی

۱-۳-۲-۴ تحلیل

عدم ناسازگاری دلالت کلام الهی با سایر ادله دینی، از جمله برونادهای قبیح نبودن کلام الهی از دیدگاه قاضی است. حال در مواردی همچون آیات «وَجَاءَ رَبُّكَ» (فجر، ۲۲) و «خَلَقْتُ بِيَدَيَّ» (ص، ۷۵) که دلالت وضعی کلام الهی، با دلالت عقلی ناسازگار است، سوال این است که چگونه می‌توان این ناسازگاری را توجیه کرد؟

قاضی پاسخ این مسئله را نیز بر مبنای لوازم کلام گوینده حکیم قرار می‌دهد. وی عنوان می‌دارد هرگاه از حال کلام حکیم دانسته شود اگر بر وفق دلالت وضعی بیاید قبیح خواهد بود؛ بایستی قطع حاصل گردد که حکیم، دلالت وضعی را قصد نکرده است و در این صورت بایستی کلام همراه قرینه‌ای عقلی یا لفظی باشد تا دلالت آن صحیح باشد (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۶، ص ۳۵۱). حال بر اساس قیاس غایب به شاهد، با اثبات حکمت الهی، مطلب فوق در مورد کلام الهی نیز جاری می‌شود.

قاضی دلالت عقلی بر ذات و اوصاف الهی را به منزله بیانی متصل به کلام الهی، و حتی مؤکدتر از بیان متصل دانسته (همو، ۱۹۶۹، ص ۳۴) و عنوان می‌دارد هرگاه حکیم با دلالت عقل یا کلام، مطلبی را بیان کند، ضروری است این بیان در فهم کلام او لحاظ گشته و چنین عملکردی خروج از ظاهر محسوب نمی‌شود. زیرا گوینده، خطاب خویش را بر اساس عرف جاری کرده است (همان، ص ۵۸۶).

حال قاضی تلاش میکند ابتدا سازوکار زبانشناختی حمل کلام بر قراین در کلام بشری را بررسی کرده است. آنگاه بر اساس مبنای خود در سرایت حکم شاهد به غایب، آن را در کلام الهی نیز جاری کند.

همانگونه که گذشت، از دیدگاه قاضی ویژگی ظنی بودن دلالت و قابلیت غموض و ابهام در سرشت زبان سبب می‌گردد دلالت نقل نیز دلالتی ظنی و چند وجهی بوده و اموری چون مجاز و اشتراک در آن راه یابد. بنابراین دلالت وضعی کلام الهی دلالتی چند وجهی خواهد بود.

قاضی مجاز را استعمال لفظ در غیر معنای وضع شده دانسته و عنوان می‌دارد اگر استعمال لفظ جز بر یک وجه جایز نباشد، مجاز از اصل باطل خواهد بود (همو، ۲۰۰۲، ص ۲۹۴).

او عنوان می‌دارد در مجاز نیز مانند حقیقت، تناقض‌گویی جایز نیست. بنابراین قرینه‌ای لفظی یا عقلی لازم است تا با توجه به آن، مجاز بر وجه صحیح حمل گردد (همان، ص ۱۶۳).

قاضی از خاصیت چند وجهی بودن کلام الهی به عنوان اصلی برای تعریف مفاهیم محکم و متشابه و تمییز آنها از یکدیگر بهره می‌گیرد. او تفاوت محکم و متشابه را در تک وجهی بودن دلالت آیه محکم و چند وجهی بودن دلالت آیه متشابه می‌داند (همو، ۱۹۶۷، ص ۸-۷). بر همین اساس، سایر تعاریف را در مورد مفهوم محکم و متشابه، اعم از اینکه متشابه شامل آیات منسوخ و محکم شامل آیات ناسخ می‌باشد، یا آنکه متشابه شامل فواتح سور، مانند المص و الم است را رد می‌کند (همان، ص ۲۰-۱۷).

بدین ترتیب وی آیات متشابه را به عبارات مجازی در کلام بشری پیوند داده و دلالت عقلی و نیز دلالت آیات محکم را به منزله قراین حمل مجازهای کلام الهی بر وجه صحیح در نظر می‌گیرد.

بنابراین از دیدگاه قاضی هنگام مشاهده ناسازگاری میان دلالت وضعی کلام الهی و دلالت عقل، لازم است دلالت وضعی کلام الهی جزو آیات متشابه و دلالتی مجازی قلمداد گشته است و معرفت‌های عقلی به دلیل تک وجهی بودن دلالت، به عنوان قرینه حمل مجاز بر مفهوم صحیح در نظر گرفته شوند. بدین ترتیب دلالت عقل، اصل و مقدم بر دلالت وضعی کلام الهی خواهد بود (همو، بی‌تا، ص ۱۳۹).

۴-۲-۳-۲ برون داده‌ها

بروندادهای روش‌شناختی و معرفت‌شناختی تقدم عقل بر نقل در فهم کلام الهی از دیدگاه قاضی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. دستیابی به فهم صحیح کلام الهی در گرو توجه به «قصد الهی» در کنار دلالت وضعی کلام الهی (همو، ۱۹۶۲، ج ۱۶، ص ۳۴۷).
۲. موافقت تمامی بخش‌های کلام الهی؛ چه به صورت حقیقت و چه به صورت مجاز، با دلالت عقل (همان، ص ۴۰۳).
۳. سنجه نقد دیدگاه‌های مجبره و مجسمه و مانند آن در حمل آیات متشابه بر معنای موافق با جبر و تجسیم.

۵- بررسی و نقد منطق قاضی عبد الجبار در فهم کلام الهی

غرض قاضی از پرداختن به منطق فهم کلام الهی، دفاع از اصول اساسی اندیشه اعتزالی، یعنی توحید و عدل در مواجهه با مخالفان، یعنی مشبهه و مجبره است؛ بعلاوه وی با تکیه به این منطق، تأویلات فرقه‌هایی چون اسماعیلیه که فاقد منطقی عقلانی می‌باشد را به چالش می‌کشد (همان، ص ۳۴۵).

قاضی در مواجهه با مخالفان تلاش کرده است به طرح سامانه‌ای نو در کاربرد راه‌ها و منابع فهم دینی پرداخته و فهم کلام الهی را بر آن استوار کند. در این سامانه، عقل معادل علوم ضروری که همه افراد (و از جمله گروه‌های مخالف) در دارا بودن آنها یکسان هستند و نیز اصل و مقدم بر نقل قرار داده شده است تا بدین وسیله نقل‌گرایان گریزی از الزامات آن نداشته باشند.

برغم توفیق منطق قاضی در مواجهه با نقل‌گرایی مشبهه و مجبره، باید گفت در این منطق، خلاصه شدن نقش سمع (نقل معتبر دینی) در تشویق به استدلال عقلی و تأیید نتایج این استدلال، بر خلاف غایت قاضی در ایجاد وحدت رویه در فهم کلام الهی، راه را برای تحمیل دیدگاه‌های مختلف گروه‌های عقل‌گرا بر کلام الهی باز می‌کند.

این اختلاف دیدگاه‌ها ناشی از تاثیر برخی عوامل غیر معرفتی، نظیر گرایش‌های فردی (عواطف و انگیزه‌ها)، جهت‌گیری‌های اجتماعی و نیز نگرستن از دریچه‌ای خاص و کوچک است (جوادی‌پور، ۲۰۲۱، ص ۵۱) که فهم کلام الهی را با اشکال مواجه می‌سازد. وجود این عوامل سبب می‌گردد شخص اغلب با تکیه به «شم استنباطی» خویش استدلال نماید و چه بسا گاه شاهد قوی را کنار گذاشته و شاهد ضعیف را هم می‌پذیرد (اکبرزاده، ۲۰۱۱، ص ۶۶).

صحیح آن است که نقل معتبر دینی (قرآن و سنت) در فرایند فهم کلام الهی، نقشی بیش از آنچه قاضی برای آن قائل است داشته؛ و آن راهنمایی عقل در نحوه استدلال است، همچنانکه شیخ مفید با عنوان «تنبیه دهنده عقل» بدان اشاره می‌کند: «امامیه اتفاق دارند که عقل در علم و نتایج خود محتاج سمع است؛ سمعی که به چگونگی استدلال تنبیه می‌دهد» (مفید، ۱۹۹۳، ص ۴۴).

بنابراین در فهم کلام الهی، عقل و نقل در ارتباط با یکدیگر نقشی دوسویه دارند، بدین صورت که عقل زمینه صحت و دلالت نقل را فراهم آورده، آنگاه نقل با تنبیه دادن عقل به چگونگی استدلال، سبب شکوفایی و دوری آن از انحراف در فهم کلام الهی می‌شود. عدم اقبال قاضی به دلالت باطنی آیات را نیز می‌توان در نادیده گرفتن این نقش تنبیهی نقل ارزیابی کرد.

نتیجه‌گیری

قاضی عبد الجبار با هدف جلوگیری از خطا در فهم آیات و ایجاد وحدت رویه، تلاش کرده است فهم آیات را بر منطقی معتبر استوار کند.

در اندیشه او، از آنجا که فهم کلام الهی جدای از راه‌های فهم آن و نیز ویژگی‌های فاعل آن نیست. بنابراین راهیابی به دلالت صحیح کلام الهی در گرو ضابطه‌مند کردن دخالت این دو عامل در فرایند فهم کلام الهی است. از منظر وی دستیابی به این مهم نیز نیازمند تکیه به پاره‌ای پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی همچون اصل واقعیت و اصل علیت است که ماهیت معرفت و راه‌های دستیابی به آن را روشن می‌کنند. در واقع می‌توان گفت در اندیشه قاضی، فهم کلام الهی حاصل برابندی از تعامل مؤلفه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و خداشناختی است.

اشکال اساسی این منطق را می‌توان خلاصه شدن نقش سمع در تایید داده‌های استدلال عقلی دانست که بر خلاف مدعای قاضی در ایجاد وحدت رویه، راه را برای تحمیل دیدگاه‌های گوناگون بر کلام الهی باز می‌گذارد.

مشارکت نویسندگان

اصل نگارش مقاله توسط صالح عادل ساردو و بازبینی و اصلاح مقاله توسط دکتر بمانعلی دهقان و دکتر محمد علی حیدری صورت پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری صالح عادل ساردو می‌باشد و از این جهت از دانشگاه یزد به عنوان حامی معنوی قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع و مآخذ

- Akbarzade M. [*The Impact of Non-Epistemological Factors on the Process of Gaining Knowledge*]. Journal of Philosophical Theological Research. 2011; 4: 59-67. Persian.
- Asqalani E, *Fath Al-bari Be Sharh Sahih Al-Bokhari*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Elmiyah; 2004. Arabic.
- Dehqaninejad A, Dirbaz A. [*Qadi Abd-al-Jabbar on Skepticism*]. Journal of Islamic Philosophy and Theology. 2020; 1: 81-92. Persian.
- Hajizadeh A. [*The Role of Non-Empirical Assumptions in Science and Its Consequences on the Idea of Local- Religious Science*]. Philosophical Investigations. 2021; 34: 104-121. Persian.
- Helli H, *Anvar Almalakot Fi Sharh Al-Yaqot*. Qom: Al-Sharif Al-Razi; 1984. Arabic.
- Hossienzadeh M, *Religious knowledge; Rationality and resources*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications; 2010. Persian.
- Houshangi H, Seyyed Abbas Z, Farzaneh M. [*Functions of Reason in the Field of Religion in the Views of Qadi Abd al-Jabbar Mu'tazili and Abubakr Baqillani*]. History of Philosophy. 2016; 4: 163-190. Persian.
- Javadpoor gh, [*Analysis of Scientific Objectivity in the Value-leadenness of Science*]. Philosophical Investigations. 2021; 35: 42-64. Persian.
- McDermott M, *the Theological Thoughts of Sheikh Mufid*. Translated by Ahmad A, Tehran: University of Tehran Press; 1993. Persian.
- Mesbah M, *Epistemology*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications; 2019. Persian.
- Mufid M, *Awael Al-Maqalat Fi Al- Mazaheb Va Al-Mokhtarat*. Qom: Al-Mo'atamar Al-Alami; 1993. Arabic.
- Qazi Abd Al-jabar and Qawam Al-Din Mankadim, *Sharh Al-Osol Al-khamseh*. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Torath Al-Arabi; 2002. Arabic.
- Qazi Abd Al-jabar, *Al-moqni Fi Abwab Al-tawhid Va Al-Adl*. Qahereh: Al-Dar Al-Mesriyah; 1962. Arabic.
- , *Fazl Al-E'atezal Va Tabaqat Al-mo'atazele*. Research and commentary by Fo'ad S, Tunes: Al-Dar Al-Tunesiyah Le Al-Nashr; no date. Arabic.
- , *Moteshabeh Al-Quran*, Qahereh: Maktab Dar Al-tarath; 1967. Arabic.
- , *Al-Mokhtasar Fi Osolz Al-Din*. Beirut: Dar Al-Helal; 1971. Arabic.
- Soltani H. [*The Sources of Knowledge According Qazi Abd ul-Jabbar al-Mutazili*]. Journal of Islamic Theology Studies. 2017; 16: 101-103. Persian.

-----]. [Examining the Place of "Nazar and Thinking" from the Viewpoint of Qazi 'Abd al-Jabbar]. Journal of Islamic Theology Studies. 2016; 13: 87-104. Persian.

Tabatabai M, *The Qur'an in Islam*. Tehran: Dar Al-kotob Al-Islamiyah; 1974. Persian.

معرفی نویسندگان



صالح عادل ساردو دانشجوی دکتری دانشگاه یزد است. ایشان در سال ۱۳۹۳ در رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه یزد پذیرفته شده است.

Adeli Sardoo, S. student, Interpretation, yazd university, Yazd, Iran

✉ salehadeli1370@gmail.com



بمانعلی دهقان منگابادی دانشیار دانشگاه یزد است. ایشان دکتری علوم قرآن و حدیث را در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه تربیت مدرس کسب کرده است. ایشان عضو هیأت تحریریه مجلات پژوهشی در حوزه الهیات بوده و از وی بیش از پنجاه مقاله پژوهشی به ثبت رسیده است.

Dehghan Monghabadi, B. associate professor, quranic science, yazd university, Yazd, Iran

✉ badehghan@yazd.ac.ir



محمد علی حیدری مزرعه آخوند استادیار دانشگاه یزد است. ایشان دکتری علوم قرآن و حدیث را در سال ۱۳۹۳ از دانشگاه تهران کسب کرده و چندین مقاله علمی پژوهشی در حوزه علوم قرآن و حدیث را تألیف کرده‌اند.

Heydari Mazrea Akhond, M. assistant professor, quranic science, yazd university, Yazd, Iran

✉ heydari@yazd.ac.ir

How to cite this paper:

Saleh Adeli Sardoo, Bemanali Dehghan Mongabadi, Mohammad Ali Heydari Mazrae Akhoond (2022). The Logic of Understanding the Divine Speech from Qazi Abd al-Jabbar Mu'tazili's Viewpoints. *Journal of Ontological Researches*, 11(21), 191-218. Persian.

DOR: 20.1001.1.23453761.1401.11.21.7.4

DOI: 10.22061/orj.2021.1739

URL: https://orj.sru.ac.ir/article_1739.html



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to SRU Press. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC-BY-NC 4.0) License. For more information, please visit <https://www.creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode>.